

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی

سیده طاهره حسینی*

محسن قمرزاده**

DOI: 10.22096/rc.2026.2069579.1266

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷]

چکیده

معاد، پس از توحید، بنیادی‌ترین رکن الهیات اسلامی است و نقشی محوری در تعیین نسبت انسان با مرگ، مسئولیت و حیات جاودان دارد. این پژوهش با رویکرد تنزیلی بر پایه تحلیل محتوای آیات معاد در سوره‌های مکی، می‌کوشد الگوی تدریجی نهادینه‌سازی این باور را در متن دعوت نبوی بازسازی کند. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و دو متغیر «ترتیب نزول» و «تنوع مخاطب» را محور قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامبر اکرم (ص) در برابر انکار نظام‌مند معاد از راهبردی چندمرحله‌ای و مخاطب‌محور بهره برده و چهار بُعد تطوری، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و سبک‌شناختی را در سامان‌دهی پیام قرآنی به کار گرفته است. مؤلفه‌هایی مانند تصاعد استدلالی، تحول خطاب، توازن عذاب و رحمت و پیوند توحید - نبوت - معاد، ابزار اقناع ذهنی و تحریک عاطفی مخاطبان بوده‌اند. نتیجه آن است که قرآن با ترکیب محتوا و روش، الگویی چندلایه برای تثبیت ایمان به معاد ارائه کرده است که امروز نیز می‌تواند در تعلیم اعتقادات و گفتمان‌سازی دینی به کار رود.

واژگان کلیدی: سوره‌های مکی؛ ترتیب نزول؛ نهادینه‌سازی اعتقادی؛ روش تنزیلی.

* فارغ‌التحصیل سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی و مدرس حوزه علمیه خواهران فاطمه الزهرا (س)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: sthoseiny@gmail.com

Email: mohsen.ghamarzadeh@iribu.ac.ir

** استادیار، گروه معارف، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.



۱. مقدمه

اعتقاد به معاد، پس از توحید، اساسی‌ترین رکن منظومه معرفتی اسلام است و در سوره‌های مکی، پیش از استقرار نظام اسلامی، محور اصلی دعوت پیامبر اکرم ﷺ به شمار می‌رفت. این آموزه با هدایت ذهن و روان مخاطب، ترس از نیستی را کاهش می‌دهد، افق معنایی بلندمدتی برای حیات ترسیم می‌کند و پایه‌ای برای تربیت اخلاقی و اجتماعی انسان قرآنی فراهم می‌سازد. از این رو، فهم چگونگی تبیین و نهادینه‌سازی این باور بنیادین در قرآن اهمیت اساسی دارد.

در این پژوهش، سه پرسش اصلی دنبال می‌شود: (۱) منظور از الگوی تزیلی نهادینه‌سازی در قرآن چیست؟ (۲) قرآن برای نهادینه کردن آموزه معاد در سوره‌های مکی چه مراحل را طی کرده است؟ و (۳) قرآن چه روش‌هایی را برای نهادینه‌سازی باور به معاد به کار بسته است؟

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که اغلب آثار پیشین، گرچه به موضوع معاد پرداخته‌اند، اما بیشتر به تحلیل محتوایی ایستا بسنده کرده و از سیر تدریجی و تربیتی آیات معاد براساس ترتیب نزول غفلت کرده‌اند. آثار کلامی مانند معاد در قرآن (جوادی آملی) و معاد، انسان و جهان (سبحانی) به غنای محتوایی افزوده‌اند، اما چهارچوبی برای بازسازی روند تدریجی نهادینه‌سازی این باور در مخاطب اولیه ارائه نداده‌اند. در مقابل، رویکرد تزیلی با تمرکز بر بستر تاریخی و ترتیب نزول سوره‌ها امکان بازخوانی فرایند تبیین معاد در متن تاریخ دعوت پیامبر ﷺ را فراهم می‌کند. با توجه به ظرفیت‌های تربیتی و تبلیغی این رویکرد، پژوهش حاضر در پی آن است، الگویی روشمند و منسجم برای نهادینه‌سازی باور معاد در قرآن ارائه دهد.

از نظر مبنای نظری، پژوهش بر دو پایه استوار است: نخست، نظریه نهادینه‌سازی به‌مثابه فرایندی تدریجی و هدفمند که در آن، باور یا ارزش در لایه‌های ذهنی، روانی و رفتاری مخاطب جای می‌گیرد؛ دوم، نگاه تزیلی به قرآن که سیر نزول سوره‌ها را نه صرفاً تاریخی، بلکه حاکی از منطق تربیتی و تدریجی وحی در مواجهه با شرایط و نیازهای جامعه مکه می‌داند.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و از جدول معتبر ترتیب نزول سوره‌های مکی بهره می‌گیرد. در مرحله نخست، آیات معاد در این سوره‌ها شناسایی و استخراج شده است، سپس با استفاده از شاخص‌های محتوایی، روان‌شناختی و سبک‌شناختی کدگذاری شدند. در مرحله بعد، این داده‌ها در چهار بُعد اصلی سیر تطور مفهومی، لایه‌های روانی و عاطفی، بافت اجتماعی و گفتمانی و شیوه‌های زبانی و بلاغی قرآن تحلیل شدند. هدف، استخراج الگویی مرحله‌ای از روند

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۱۹۳

نهادینه‌سازی معاد در ذهن و ضمیر مخاطبان اولیه وحی است؛ الگویی که در فضای امروز نیز می‌تواند به‌مثابه الگویی راهبردی برای آموزش باورهای دینی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر به بررسی «الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سوره‌های مکی» پرداخته شده است؛ مفهومی که بر پایه دریافت الگوی هدایتی قرآن از سیر نزول آیات در بستر اجتماعی مکه استوار است. در این چهارچوب، واژه «الگو» در لغت به معنای سرمشق و نمونه آمده و در علوم مختلف به معنای مدل بازنمایی شده‌ای از واقعیت است که رفتارها و فرایندها را قابل فهم می‌کند.^۱ در قرآن، این مفهوم با واژگانی چون «اسوه» و «قدوه» نیز بیان شده است که بیانگر اقتدا و پیروی مستمر از یک شخصیت یا رفتار الهی است.^۲

منظور از الگوی تنزیلی، شیوه‌ای مرحله‌ای و نظام‌مند است که قرآن با در نظر گرفتن بستر فرهنگی و اجتماعی زمان نزول، مفاهیم بنیادینی چون معاد را در جامعه عرب مکه نهادینه کرده است.^۳ تفسیر تنزیلی نیز روشی است برای فهم تدریجی پیام‌های وحیانی براساس ترتیب نزول سوره‌ها به‌ویژه در قرائت «روایت‌محور» آنکه بیشتر مورد توجه این پژوهش است.^۴

«نهادینه‌سازی» در لغت به معنای جا انداختن و تثبیت تدریجی یک رفتار یا باور جدید است. در جامعه‌شناسی، این واژه به فرایندی گفته می‌شود که طی آن، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از طریق تکرار و پذیرش عمومی به بخش نهادینه‌شده‌ای از ساختار اجتماعی بدل می‌شوند.^۵ در این نوشتار، معاد به‌مثابه باوری محوری در اعتقادات اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته که چگونه قرآن از طریق سوره‌های مکی و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی خاص آن زمان، آن را در افکار عمومی نهادینه کرده است.

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶)؛ علیرضا دهقان، نظریه‌های ارتباطات، جلد ۱ (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ۶۵؛ و هما زنجانی‌زاده، کنش اجتماعی، جلد ۱ (مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹)، ۴۴.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۶ (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰)، ۲۸۸؛ و محمودبن‌عمر زمخشری، تفسیر کشاف، جلد ۳ (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق)، ۵۳۱.

۳. ابوالحسن علی‌بن‌محمد جوهری، الصحاح فی اللغة (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰)؛ و ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن‌مکرم ابن‌منظور، لسان العرب (بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق).

۴. عبدالکریم بهجت‌پور، تفسیر تنزیلی: مبانی، اصول، قواعد و فواید (تهران: انتشارات تمهید، ۱۳۹۲)؛ و محسن قمرزاده و نسیم تیموری، «ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تنزیلی»، مطالعات علوم قرآن، ۴، شماره ۲ (تابستان ۱۴۰۱): ۵۴.

۵. جورج هومنز، رفتار اجتماعی انسان، ترجمه علی محمد حق‌شناس (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۴۰)؛ بروس ج. کوهن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثالثی، جلد ۱ (تهران: نشر توتیا، ۱۳۸۸)، ۱۶۵؛ و سیاوش گلایی، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، جلد ۱ (تهران: نشر میترا، ۱۳۷۶)، ۸۵.

معاد در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح، بازگشت انسان به سوی خداوند برای حسابرسی اعمال است.^۶ در قرآن، آیات معاد به منزله یکی از ارکان اعتقادی در سوره‌های مکی نقش مهمی در هدایت مرحله‌ای مخاطبان ایفا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی مفسران تعداد آنها را نزدیک به یک‌سوم قرآن دانسته‌اند.^۷

سوره‌های مکی که بیشتر آنها (۸۶ سوره) پیش از هجرت نازل شده‌اند، در بردارنده پیام‌هایی برای مخاطبانی هستند که هنوز با مفاهیم توحید، معاد و وحی آشنایی کافی نداشتند.^۸ از این رو، روش پژوهش حاضر بر تحلیل فرایند تدریجی و تزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در بستر فرهنگی مکه تمرکز دارد، نه تفسیر محتوایی آیات.

برای به دست آوردن نتایج الگوی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی، همه آیات معاد در ۸۶ سوره مکی به ترتیب جدول نزول سور قرآن جمع‌آوری شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. به دلیل حجم بالای آیات معاد در سور مکی از درج آیات و داده‌ها در این نوشتار صرف نظر شده است (رساله علمی الگوی تزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی).

۳. تحلیل جامع الگوی نهادینه‌سازی معاد در سوره‌های مکی

در بررسی روند نزولی و تدریجی آیات معاد در سوره‌های مکی، الگوی مشخصی از شیوه تبلیغ و نهادینه‌سازی این اصل توسط پیامبر (ص) در میان مشرکان مکه قابل شناسایی است. با توجه به بسامد، مضمون و اغراض سوره‌ها چندین محور و مدل تحلیلی قابل ارائه است که نشان می‌دهد چگونه معاد به صورت تدریجی از مفهومی هشداردهنده به اصل قطعی و استدلال‌پذیر تبدیل شده است.

۳-۱. مراحل نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی

با توجه به ترتیب نزول، نهادینه‌سازی معاد در سه مرحله اصلی شکل گرفته است:

۶. ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی، گوهر مراد، جلد ۱ (تهران: نشر سایه، ۱۳۸۳)، ۵۹۵؛ سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، جلد ۵ (قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق)، ۸۲؛ محمدباقر مجلسی، حق الیقین، جلد ۲ (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ش)، ۳۶۹؛ و سید احمد خاتمی، فرهنگ علم کلام: شرح لغات و اصطلاحات و اعلام علم کلام، جلد ۱ (تهران: نشر صبا، ۱۳۷۰ش)، ۲۰۴.

۷. طباطبایی، المیزان، ۱۶: ۲۸۸.

۸. فرزاد حاجی میرزایی، «مکی و مدنی»، در: دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، به کوشش: بهاء‌الدین خرمشاهی، جلد ۱ (تهران: دوستان‌ناهیید، ۱۳۷۷ش)، ۲۱۴۶.

الگوی تزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۱۹۵

ا. مرحله اول: تأکید بر عظمت و وقوع قیامت برای ایجاد شوک روانی

ب. مرحله دوم: اقامه برهان و ارتباط معاد با عدالت و مسئولیت‌پذیری

ج. مرحله سوم: مقابله با انکار، ارائه پاسخ‌های استدلالی و تقویت ایمان مؤمنان

۱. مرحله اول: شوک معنوی و هشدار قیامتی

الف) ویژگی‌های محتوایی: در این مرحله، بسامد بالای واژگان هولناک و صحنه‌های مهیب قیامت دیده می‌شود. پیامبر (ص) با استفاده از تصاویر بصری قوی و زبان هشداردهنده، درک حسی و عاطفی مخاطبان را هدف قرار داده است. معاد بیشتر به صورت رویدادی عظیم و بی‌سابقه معرفی می‌شود.

ب) نمونه‌های بارز و تحلیل آنها

سوره‌های مدثر، آیه ۴، قارعه، آیه ۳۰، تکویر، آیه ۷ و همزه، آیه ۳۲.

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^۹ → تصویر دگرگونی کیهانی

«وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ»^{۱۰} → هشدار به اهل استهزاء

هدف این مرحله ایجاد شوک روانی و برانگیختن حس ترس و اضطراب در مشرکان و مقابله با تکذیب‌کنندگان و تمسخرکنندگان اولیه از راه تهدید عذاب اخروی است.

پیامبر (ص) در این مرحله برای شکستن باورهای تثبیت‌شده مشرکان مکه، روش‌های هشدار، انذار و توصیفات مهیب را به کار گرفته است.

واکنش مخاطبان در این مرحله، برخی پذیرش، برخی تمسخر و برخی مقاومت شدید (مانند رفتار سران قریش) است.

۲. مرحله دوم: ارتباط معاد با عدالت و مسئولیت‌پذیری

الف) تغییر راهبردی در ارائه مفهوم معاد

در این مرحله از توصیفات صرفاً هولناک فاصله گرفته و بر مفاهیم عادلانه معاد تأکید می‌شود. پاسخ به شبهات مشرکان آغاز و رابطه توحید و معاد تقویت می‌شود.

۹. تکویر، آیه ۱.

۱۰. همزه، آیه ۱.

هدف اصلی این مرحله، اقامه برهان عقلی برای امکان‌پذیری معاد و مرتبط‌سازی آن با عدالت الهی است.

ب) نمونه‌های بارز و تحلیل آنها

سوره‌های یس، آیه ۴۱، زمر، آیه ۵۹، واقعه، آیه ۴۶، سوره‌های نحل، آیه ۷۰، عنکبوت، آیه ۸۵، سوره‌های کهف، آیه ۶۹ و مریم، آیه ۴۴.

«وَتُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ»^{۱۱}

«وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ»^{۱۲} → پاسخ به شبهه منکران درباره امکان بازآفرینی بدن پس از مرگ ارتباط معاد با مسئولیت‌پذیری در دنیا و حساسی در آخرت

هدف این مرحله، تثبیت باور به رستاخیز از طریق بیان سازوکار آن (نفخ صور، خروج از قبرها)، ارائه استدلال عقلی برای اثبات قدرت خدا بر احیای مردگان، پیوند دادن سرنوشت اخروی به عملکرد دنیوی است.

پیامبر (ص) در این مرحله به دنبال تعمیق باور به معاد و حل چالش‌های فکری مشرکان است؛ بنابراین تأکید بر عدالت و مسئولیت‌پذیری فردی باعث افزایش پذیرش عقلی مخاطبان مستعد می‌شود.

۳. مرحله سوم: مقابله با انکار و تثبیت نهایی معاد

الف) ویژگی‌های محتوایی

در این دوره، جدال با منکران شدت می‌گیرد و پاسخ‌های قوی‌تری ارائه می‌شود. نقش معاد در تعیین هویت مؤمنان و مخالفان برجسته‌تر می‌شود و بر پاداش و عقاب اخروی برای نتیجه حتمی اعمال انسان تأکید می‌شود.

ب) نمونه‌های بارز و تحلیل آنها

سوره‌های فصلت، آیه ۶۱، ق، آیه ۶۷، مرسلات، آیه ۳۳ و نازعات، آیه ۳۸.

«أَفَعَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ»^{۱۳} → تأکید بر امکان‌پذیری معاد از طریق تشبیه آن به

آفرینش نخستین

۱۱. یس، آیه ۵۱.

۱۲. یس، آیه ۷۸.

۱۳. ق، آیه ۱۵.

الگوی تزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۱۹۷

هدف: دفع استبعاد منکران و اقناع عقلی آنان تقابل بین اهل بهشت و اهل جهنم با جزئیات بیشتر انگیزه‌بخشی به مؤمنان و هشدار مجدد به مخالفان.

پیامبر (ص) در این مرحله، علاوه بر پاسخگویی به منکران، ایمان مؤمنان را تثبیت و آنان را برای مرحله هجرت آماده می‌کند. تأکید بر حتمیت حسابرسی، باعث تفاوت‌گذاری میان مؤمنان و مشرکان شده است و زمینه را برای حرکت جدید اسلام فراهم می‌کند.

۳-۲. تحلیل میزان و مبنای چینش استدلال‌های عقلی درباره معاد در سور مکی

۱. روند افزایشی استدلال‌های عقلی

با بررسی سوره‌های مکی، مشخص می‌شود که در مراحل نخستین، استدلال‌های عقلی درباره معاد کمتر مطرح شده و بیشتر از انذار و هشدار عذاب استفاده شده است؛ اما به تدریج، استدلال‌های منطقی افزایش پیدا کرده و متناسب با رشد فکری و تغییر نیازهای مخاطبان، استدلال‌هایی قوی‌تر و متنوع‌تر ارائه شده است.

۲. سه مبنای اصلی چینش استدلال‌های عقلی در سوره‌های مکی

استدلال‌های عقلی درباره معاد بر اساس سه محور زیر ساماندهی شده است:

قیاس با خلقت نخستین (إِذَا لَمْ تَكُونُوا شَيْئًا فَكَيْفَ تُكَدِّبُونَ؟)

در سوره‌های متأخرتر، بیشتر بر این استدلال تأکید شده است که همان‌طوری که انسان را از عدم آفرید، قادر است دوباره او را زنده کند.

مثال: سوره قیامت، سوره واقعه

نشانه‌های طبیعت (وَمِنْ آيَاتِهِ)

استفاده از پدیده‌های طبیعی مانند رویش گیاهان، آمدن باران، تناوب شب و روز برای نشان دادن امکان بازگشت زندگی پس از مرگ. مثال: سوره حج و سوره یس.

تحدی و استدلال منطقی (أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ؟)

پرسش‌های استدلالی که منکران را به چالش می‌کشند که اگر آفرینش نخستین را باور دارند، چرا دومی را انکار می‌کنند؟ مثال: سوره ق و سوره زمر.

۳. ارتباط استدلال‌های عقلی با سطح فکری مخاطبان

در اوایل دعوت مکی، مخاطبان بیشتر مشرکان عامی و ناآشنا با تفکر عقلی بودند، از این رو آیات بیشتر بر انذار و تصویرسازی از عذاب تأکید داشت؛ اما در ادامه، گروهی از مخاطبان فهمیم‌تر، مانند نخبگان قریش، وارد بحث شدند و قرآن با ارائه استدلال‌های قوی‌تر، پاسخ‌های منطقی‌تری به آنها داد.

۴. اوج‌گیری استدلال‌ها در سوره‌های پایانی مکی

در سوره‌های متأخر مکی (یس، ق، زمر و واقعه)، به جای صرفاً توصیف عذاب، برهان‌های عقلی با شدت بیشتری مطرح می‌شود به‌ویژه با استفاده از خلقت انسان، طبیعت و بازگشت حیات از مرگ.

در سوره‌های ابتدایی، انذار و تهدید غالب است و استدلال‌های عقلی اندک‌اند.

به‌مرور با پیچیده‌تر شدن منکران، استدلال‌های عقلی گسترش می‌یابند و در سوره‌های متأخر مکی به اوج خود می‌رسند.

سه محور اصلی استدلال‌ها خلقت نخستین، نشانه‌های طبیعت و چالش منطقی هستند که متناسب با سطح فکری مخاطبان چینش شده‌اند.

۳-۳. مراتب استدلال‌های عقلی درباره معاد در سوره مکی

استدلال‌های عقلی درباره معاد در سوره‌های مکی را می‌توان به سه سطح از نظر پیچیدگی و نوع استدلال دسته‌بندی کرد. در سوره‌های نخستین، استدلال‌ها بیشتر بر پایه حس و تجربه مستقیم بوده‌اند، اما در سوره‌های متأخرتر به استدلال‌های عقلی محض و فلسفی نیز پرداخته شده است.

۱. استدلال حسی (ملموس و تجربی) → سطح ابتدایی

(برای مخاطبان عامی است که بیشتر با مشاهدات حسی متقاعد می‌شوند)

این نوع استدلال، معاد را با پدیده‌های طبیعی قابل مشاهده مقایسه می‌کند تا برای مردم ملموس‌تر باشد.

این شیوه در سوره‌های ابتدایی بیشتر استفاده شده است، زیرا مشرکان در آغاز، معاد را کاملاً بعید می‌دانستند و نیاز به مثال‌های عینی برای درک آن داشتند.

نمونه‌ها:

رویدن گیاه از زمین خشک: «فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا».^{۱۴}
خواب به‌عنوان مرگ موقت: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا».^{۱۵}
تبدیل باران به زندگی در زمین خشک: «وَوَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ».^{۱۶}
اینجا معاد با مشاهده امور طبیعی در زندگی روزمره توضیح داده می‌شود تا مردم به‌طور حسی آن را درک کنند.

۲. استدلال منطقی (براساس نظم و عدالت) → سطح متوسط

(برای مخاطبان کمی آگاه‌تر که به مفاهیم انتزاعی فکر می‌کنند)

این استدلال براساس قوانین طبیعت و منطق عدالت بنا شده است.
بر این نکته تأکید می‌کند که اگر معاد نباشد، زندگی پوچ و ناعادلانه خواهد بود.

نمونه‌ها:

نظم هستی و امکان‌ناپذیر بودن بیهودگی

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^{۱۷}

یعنی اگر معاد نباشد، آفرینش انسان بیهوده است.

لزوم جزای اعمال

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»^{۱۸}

اگر قیامتی نباشد، نیکوکار و بدکار یکی خواهند بود و این برخلاف عدل الهی است.

قیاس معاد با آفرینش اولیه

«وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ»^{۱۹}

همان خدایی که ما را از عدم آفرید، قادر است ما را دوباره زنده کند.

۱۴. روم، آیه ۵۰.

۱۵. زمر، آیه ۴۲.

۱۶. حج، آیه ۵.

۱۷. مؤمنون، آیه ۱۱۵.

۱۸. ص، آیه ۲۸.

۱۹. روم، آیه ۲۷.

۲۰۰ دین و دنیای معاصر / سال ۱۲ / شماره ۱ / پیاپی ۲۲ / صص ۱۹۱-۲۱۴

این مرحله از استدلال برای کسانی است که علاوه بر مشاهده پدیده‌های طبیعی به عدالت، حکمت و نظام خلقت نیز فکر می‌کنند.

۳. استدلال فلسفی و چالشی (استدلال‌های عقل محض) → سطح پیشرفته (برای مخاطبان فکور، مانند نخبگان قریش و منکران فلسفی معاد)

این مرحله شامل پرسش‌های چالش‌برانگیز و استدلال‌های فلسفی است که منکران را در بحث به بن‌بست می‌رساند.

این شیوه بیشتر در سوره‌های متأخر مکی دیده می‌شود، زیرا استدلال‌های سطح پایین‌تر دیگر پاسخگوی شبهات منکران نبود.

نمونه‌ها

نقد استبعاد عقلی معاد

«وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالِ مَنْ يَحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يَجِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»^{۲۰}

فردی استخوان پوسیده‌ای را نشان داد و گفت: چه کسی می‌تواند این را زنده کند؟ قرآن پاسخ می‌دهد: همان که اولین بار خلق کرد!

قیاس ناتوانی انسان با قدرت خداوند:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ بَدْرٌ عَلَىٰ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَىٰ»^{۲۱}

خداوندی که آسمان‌ها را بدون زحمت آفریده است، آیا نمی‌تواند انسان‌ها را دوباره زنده کند؟

نقد نسبی‌گرایی و شک‌گرایی درباره قیامت

«وَقَالُوا إِنَّا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»^{۲۲}

مشرکان می‌گفتند: تنها زندگی ما همین دنیاست، می‌میریم و زنده می‌شویم و چیزی جز گذر زمان ما را هلاک نمی‌کند.

قرآن در پاسخ بر اراده الهی تأکید می‌کند که فراتر از زمان است.

۲۰. یس، آیات ۷۸-۷۹.

۲۱. احقاف، آیه ۳۳.

۲۲. جاثیه، آیه ۲۴.

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۰۱

این سطح استدلال مخصوص کسانی است که به چالش‌های فلسفی درباره معاد فکر می‌کنند. در اینجا از برهان‌های عمیق‌تری استفاده شده است.

این مدل نشان می‌دهد که استدلال‌های قرآنی درباره معاد براساس سطح فکری مخاطبان و میزان پذیرش آنها به تدریج پیچیده‌تر و عمیق‌تر شده است.

پیچیدگی استدلال‌های معاد در سوره‌های مکی می‌تواند دو دلیل اصلی داشته باشد:

۱. تنوع مخاطبان

در ابتدا بیشتر آیات متوجه مشرکان بودند که معاد را انکار می‌کردند. این گروه معمولاً به استدلال‌های حسی و تجربی نیاز داشتند، مانند دیدن تغییرات در طبیعت (رویدن گیاهان، زنده شدن زمین مرده)؛ اما به تدریج با پیوستن افراد جدید از جمله اهل فکر و نخبگان، لازم بود استدلال‌های عقلی و منطقی پیچیده‌تری ارائه شود.

۲. رشد عقلی مخاطبان اولیه

کسانی که از ابتدای دعوت اسلامی همراه پیامبر بودند به مرور زمان درک عمیق‌تری از توحید و معاد پیدا کردند. بنابراین، آیات بعدی می‌توانستند به استدلال‌های پیچیده‌تری مانند عدالت الهی، حکمت آفرینش و ضرورت معاد برای معنا دادن به زندگی پردازند.

در نتیجه رشد استدلال‌ها هم به دلیل تفاوت مخاطبان و هم به دلیل بلوغ فکری تدریجی جامعه بود. در اوایل دعوت، محور آیات بر انکار استبعاد معاد و ذکر نشانه‌های حسی بود، اما در سوره‌های متأخر، استدلال‌های عقلی و فلسفی بیشتر شد، زیرا مخاطبان اولیه، آماده پذیرش چنین مباحثی شده بودند.

۴. تحلیل الگوی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی

برای بررسی الگوی نهادینه‌سازی آیات معاد در سوره‌های مکی با توجه به مراحل طی شده و سیری که قرآن کریم در مورد معاد طی کرده است، الگوهای چهارگانه زیر به دست می‌آید. اگر تمرکز را بر روند زمانی بگذاریم، الگوی تطوری (تکاملی) مناسب‌تر است. اگر بر روان‌شناسی مخاطب تأکید کنیم، الگوی روان‌شناختی کاربردی‌تر است. اگر زمینه اجتماعی را کلید اصلی بدانیم، الگوی جامعه‌شناختی مناسب‌تر خواهد بود. اگر بر سبک ادبی و بیانی توجه کنیم، الگوی سبک‌شناختی برجسته می‌شود.

۴-۱. الگوی تطوری (تکاملی) نهادینه‌سازی معاد

این الگو بر این مبنا استوار است که پیامبر (ص) برای نهادینه کردن باور به معاد از روش‌های تدریجی و متناسب با سطح فهم و مقاومت مخاطبان بهره برده است. این روند را می‌توان به مراحل زیر تقسیم کرد:

✓ مرحله اول: هشدارهای عمومی و کلی (سوره‌های ابتدایی مانند علق، مدثر و مزمل)

از ویژگی‌های این مرحله، معرفی معاد بدون توضیحات تفصیلی و تکیه بر هشدار و ایجاد ترس از قیامت است.

مخاطب: افراد دور از دین که هنوز درگیر بحث‌های فلسفی نیستند.

✓ مرحله دوم: استفاده از مثال‌های عینی و مقایسه با طبیعت (سوره‌های عبس، نازعات و تکویر)

أ. استدلال با مشاهده طبیعت (زنده شدن زمین پس از باران)

ب. مقایسه قدرت خدا در خلقت و امکان بازآفرینی

ج. پاسخ به استبعاد کفار در مورد امکان زنده شدن مجدد

✓ مرحله سوم: بیان سرگذشت اقوام گذشته (سوره‌های فجر، شمس و فیل)

از ویژگی‌های این مرحله، ارائه نمونه‌های تاریخی از عذاب اقوام کافر، پیوند دادن نابودی اقوام گذشته با مجازات قیامتی است.

هدف: ملموس تر کردن مفهوم معاد از طریق شواهد تاریخی

✓ مرحله چهارم: تأکید بر عدالت و حسابرسی دقیق اعمال (سوره‌های انشقاق و مطففین)

از ویژگی‌های این مرحله، ارائه تصویر روشن‌تری از میزان، حسابرسی و جزاء، استفاده از مفاهیمی مانند "کتاب اعمال" و "ترازوی عدل" است.

۴-۲. الگوی روان‌شناختی نهادینه‌سازی معاد

این الگو بر پایه شناخت روان‌شناختی مخاطب و واکنش‌های او نسبت به باور معاد بنا شده است:

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۰۳

ا. روش ترس محور (ایجاد هراس از قیامت و دوزخ)
آیات آغازین اغلب بر توصیف وحشت قیامت تمرکز دارند و از الفاظ شدید مانند "قارعه"،
"حاقه" و "زلزله" استفاده شده است.

مخاطب: کسانی که انگیزه‌های قهری و ترس از مجازات برایشان مؤثر است.

ب. روش تشویقی (تصاویر زیبای بهشت و نعمت‌های آن)
به‌مرور، بعد از پذیرش اولیه، آیات بشارت‌دهنده افزایش می‌یابد. توصیف باغ‌ها، نهرها،
لذت‌های روحانی به‌عنوان انگیزه جذب‌کننده مؤثر است.

مخاطب: کسانی که انگیزه‌های مثبت برایشان مؤثرتر است.

ج. روش استدلالی (پاسخ به شبهات عقلی در مورد معاد)
در این روش از قیاس‌های منطقی برای اثبات امکان معاد استفاده شده است.

«آیا کسی که آسمان را آفریده است، نمی‌تواند انسان را بازگرداند؟»

مخاطب: نخبگان و اهل تفکر که به استدلال نیاز دارند.

۳-۴. الگوی جامعه‌شناختی نهادینه‌سازی معاد

در این الگو، پیامبر (ص) برای تثبیت معاد به شرایط اجتماعی مکه توجه داشته و متناسب با
وضعیت آن جامعه، روش‌های خاصی را به کار برده است:

در آغاز با فرهنگ مادی‌گرایی و بی‌عدالتی اجتماعی مقابله کرد. جامعه مکه به‌شدت
طبقه‌بندی بود و طبقه اشراف مخالف عدالت قیامت بودند.

آیات ابتدایی بر برابری همه انسان‌ها در قیامت تأکید می‌کنند. از «یوم الفصل»
(روز جداسازی) برای نشان دادن بی‌اثر بودن نسب و قدرت استفاده شده است.

در ادامه، همبستگی اجتماعی از طریق مفهوم حسابرسی الهی تقویت شده است. قیامت،
روزی که مظلومان حق خود را خواهند گرفت، معرفی شده است. بر اینکه ثروت و قدرت
دنیوی هیچ ارزشی در آن روز ندارد، تأکید شده است. این مفهوم با اخلاق اجتماعی و
مسئولیت فردی تطبیق تدریجی یافته است.

در مرحله نهایی: ساختن جامعه براساس تقوای قیامتی است. از مرحله هشدار و ایجاد

۲۰۴ دین و دنیای معاصر / سال ۱۲ / شماره ۱ / پیاپی ۲۲ / صص ۱۹۱-۲۱۴

ترس عبور کرده است و بر "فلاح" (رستگاری) تأکید می‌شود. تأکید بر اعمالی که باعث سعادت اخروی می‌شوند (صدقه، پرهیزکاری و عدالت).

۴-۴. الگوی سبک‌شناختی نهادینه‌سازی معاد

در این الگو، پیامبر (ص) از شیوه‌های بیانی و هنری خاصی برای اثرگذاری بر مخاطبان استفاده کرده است:

✓ بسامد بالای قسم‌های کیهانی («و الشمس») و («و الضحی»)

✓ جلب توجه مخاطب به عظمت هستی برای پذیرش قیامت

✓ ایجاد تصاویر زنده و ملموس از قیامت

✓ سوره‌هایی مانند «تکویر»، «انفطار» و «زلزله» صحنه‌های سینمایی از قیامت ارائه می‌دهند.

✓ موسیقی کلام و وزن آیات برای تأثیر احساسی

✓ سوره‌های کوتاه مکی اغلب آهنگین و کوبنده هستند («القارعة ما القارعة»).

✓ استفاده از سبک پرسشی برای درگیر کردن ذهن مخاطب «أیحسب الإنسان أن یتربک

سدی؟» (آیا انسان گمان می‌کند بیهوده رها خواهد شد؟).

در نهایت، بهترین تحلیل، ترکیبی از این الگوها است، زیرا پیامبر (ص) از روش‌های مختلف برای گروه‌های متفاوت مخاطب استفاده کرده و این نشان‌دهنده استراتژی چندلایه و هوشمندانه در نهادینه‌سازی باور به معاد است. با توجه به چهارچوب مدل تحلیلی قرآن و با توجه به ترتیب نزول و بررسی آیات مرتبط با معاد، می‌توان الگویی نظام‌مند برای نهادینه‌سازی این باور استخراج کرد. پیامبر اکرم (ص) در این مسیر براساس مقتضیات هر مرحله از روش‌های مختلفی برای تبیین، تثبیت و اقناع مخاطبان بهره برده است. این الگو چند لایه بر مبنای انگیزه‌های تبلیغی، نوع مخاطب، بسامد موضوعی و روش‌های اقناعی عنوان شده است. قرآن کریم به‌طور غالب، موضوعات واحد را با رویکردهایی تربیتی میان سه دسته مخاطب توزیع می‌کند و به تناسب وضعیت هر کدام درباره موضوع مربوط سخن می‌گوید؛ ابعادی از موضوع را برای گروهی مطرح می‌کند که برای دیگران نیازی به تبیین و یا دستور ندارد و به عکس ابعادی مخصوص تنها یک گروه است و دیگران در آن دخالتی ندارند. به همین دلیل مخاطبان قرآن متفاوت‌اند. گاه در یک موضوع، پیامبر (ص) و در ابعادی از همان موضوع، جاهلان و معارضان و در ابعاد دیگری از همان موضوع، مؤمنان و اهل ولاء مخاطب می‌شوند.

۴-۵. اجزای تحلیلی الگوی نهایی

در فرایند تبیین و نهادینه‌سازی باور به معاد در سوره‌های مکی، قرآن کریم از مجموعه‌ای متنوع، هدفمند و تدریجی از شیوه‌ها، مضامین و ساختارهای ارتباطی بهره گرفته است. این رویکردها هرچند در ظاهر متکثر و متنوع‌اند، اما در بستر وحی، نظام‌مند، یکپارچه و هدفمند عمل می‌کنند. در این پژوهش با تحلیل محتوای آیات معاد در سوره‌های مکی، مجموعه‌ای از الگوهای کلیدی استخراج شده که در کنار هم، ساختار جامع و منسجمی را برای نهادینه‌سازی تدریجی این باور بنیادین در جامعه نخستین اسلامی ترسیم می‌کنند.

الگوی نهایی ارائه‌شده، حاصل ترکیب و هم‌افزایی این روش‌هاست؛ به گونه‌ای که هر یک از مؤلفه‌ها نقشی خاص در تثبیت معرفتی، روانی و رفتاری ایمان به معاد ایفا می‌کنند. در ادامه، این مؤلفه‌ها یا اجزای تحلیلی الگو با عناوینی مستقل اما مکمل، معرفی می‌شوند.

این مدل‌ها عبارت‌اند از:

۱. الگوی تصاعدی-تثبیتی (Shock & Build Model)
۲. الگوی استدلالی-روانی (Rational-Psychological Model)
۳. الگوی تحول خطاب (خطاب عام، خطاب خاص، خطاب مؤمنانه)
۴. الگوی مقایسه‌ای بین عذاب و رحمت (Punishment & Mercy Balance)
۵. الگوی توحید-نبوت-معاد (Theological Integration Model)
۶. الگوی جدلی-تطبیقی (Dialectical & Adaptive Model)
۷. الگوی تدریج در شکستن باورهای غلط (Gradual Deconstruction Model)
۸. الگوی مقایسه با اقوام گذشته (Historical Comparison Model)
۹. الگوی تصعید وحشت و امید (Escalating Fear & Hope Model)

۵. بررسی اجزای تحلیلی الگوی نهایی

۵-۱. الگوی تصاعدی-تثبیتی (Shock & Build Model)

مبنای تحلیل: در این مدل، نهادینه‌سازی معاد در دو فاز متضاد انجام می‌شود: ابتدا یک شوک روانی برای بیدار کردن مخاطب، سپس ارائه مفاهیم به صورت تدریجی برای تثبیت.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) شوک روانی (Initial Shock)

در سوره‌های نخستین (علق، مدثر و تکویر)، بیشتر آیات مربوط به عذاب و جهنم است.

تصویرسازی‌های وحشتناک از قیامت به کار می‌رود.

هدف: ایجاد ترس عمیق در مخاطبان بی‌اعتقاد

ب) مرحله تثبیت (Gradual Build-up)

در سوره‌های میانی (نحل، روم و فصلت)، استدلال‌های عقلی، تاریخی و تجربی برای امکان وقوع قیامت مطرح می‌شود. آیات مربوط به بهشت و پاداش نیکوکاران افزایش می‌یابد.

هدف: استحکام فکری و ایجاد باور پایدار در ذهن مردم

تحلیل چرایی این الگو

عرب جاهلی بیشتر تحت تأثیر شوک‌های روانی قرار می‌گرفت تا استدلال‌های فلسفی.

ابتدا باید انکار معاد شکسته شود، سپس با برهان و دلیل منطقی، جایگزین آن ساخته شود.

۵-۲. الگوی استدلالی-روانی (Rational-Psychological Model)

مبنای تحلیل: در این مدل، قرآن ابتدا از روش‌های استدلالی برای اقناع عقلانی و سپس از روش‌های روان‌شناختی برای تأثیر احساسی استفاده کرده است.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) استدلال‌های عقلی و تجربی

در سوره‌هایی مانند نحل، روم، قیامت و حج، استدلال‌های زیر مطرح می‌شود:

آفرینش نخستین: اگر خدا می‌تواند انسان را از خاک و نطفه خلق کند، پس زنده کردن دوباره او نیز ممکن است.

مشاهده طبیعت: حیات پس از مرگ در گیاهان پس از باران، دلیلی بر امکان قیامت است.

عدالت الهی: اگر معادی نباشد، پس ظالمان بدون مجازات خواهند ماند که این خلاف

عدل خداوند است.

الگوی تزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۰۷

- ✓ در آغاز دعوت مکی، استدلال‌های حسی (ملموس و تجربی) به کار رفت تا معاد برای مشرکان غیر قابل تصور نباشد.
- ✓ سپس استدلال‌های منطقی (براساس نظم و عدالت) مطرح شد تا نشان دهد که معاد ضروری است.
- ✓ در سوره‌های متأخر مکی، استدلال‌های عقلی و فلسفی اوج گرفت تا پاسخگوی شبهات عمیق‌تر منکران باشد.

هدف: متقاعد کردن عقل برای پذیرش امکان و ضرورت معاد

(ب) استفاده از ابزارهای روان‌شناختی

در سوره‌های مانند نازعات، معارج، فجر و انفطار از تصاویر ترسناک از قیامت و جهنم استفاده شده است.

در مقابل در سوره‌هایی مانند صافات و زمر، بهشت سرزمین آرامش و سعادت توصیف می‌شود.

هدف: ایجاد انگیزه عاطفی برای پذیرش معاد، نه صرفاً استدلال عقلانی

تحلیل چرایی این الگو

برخی افراد بیشتر از طریق استدلال منطقی قانع می‌شوند، برخی دیگر تحت تأثیر احساسات و هیجانات قرار می‌گیرند.

قرآن از دو مسیر موازی عقل و احساس برای تقویت باور به معاد استفاده کرده است.

۵-۳. الگوی تحول خطاب (General → Specific → Personalized Model)

مبنای تحلیل: در این مدل، قرآن در ابتدا به صورت خطاب عمومی به همه مردم، سپس خطاب خاص به مشرکان و منکران معاد و در نهایت خطاب مؤمنانه برای ایجاد انگیزه در اهل ایمان پیش می‌رود.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) خطاب عام (General Address)

در سوره‌های نخستین (علق، مدثر و مزمل)، قیامت، حقیقتی کلی مطرح می‌شود.

مثال: «وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ... إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ»^{۲۳}

ب) خطاب خاص به منکران (Refuting the Deniers)

در سوره‌هایی مانند روم، فصلت، قیامت، آیات به صورت پاسخ به استبعاد معاد توسط مشرکان نازل شده است.

مثال: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»^{۲۴}

ج) خطاب مؤمنانه (Personalized for Believers)

در سوره‌هایی مانند زمر، مریم، مؤمنون، آیات برای ایجاد آرامش و امید در مؤمنان نازل شده است.

مثال: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»^{۲۵}

تحلیل چرایی این الگو

ابتدا باید قیامت به مثابه حقیقتی کلی مطرح شود، سپس شبهات منکران رد شود و در نهایت مؤمنان تشویق شوند تا استقامت ورزند.

۴-۵. الگوی مقایسه‌ای بین عذاب و رحمت (Punishment & Mercy Balance)

مبنای تحلیل: قرآن در طول نزول، بین بیان عذاب‌های جهنم و بشارت‌های بهشتی تعادل برقرار کرده است، اما میزان هر یک بسته به شرایط جامعه تغییر یافته است.

تحلیل مقایسه‌ای

در اوایل بعثت: عذاب‌های جهنم بسامد بالایی دارند، زیرا هدف ایجاد ترس در مشرکان برای درک ضرورت معاد است.

در مراحل میانی: آیات جهنم و بهشت متعادل می‌شوند تا امکان انتخاب آگاهانه فراهم شود.

در مراحل نهایی: آیات بهشت بیشتر مطرح می‌شوند تا به مؤمنان انگیزه داده شود.

۵-۵. الگوی توحید-نبوت-معاد (Theological Integration Model)

مبنای تحلیل: در این مدل، باور به معاد در قرآن، ارتباط عمیقی با توحید و نبوت دارد.

۲۴. یس، آیه ۷۸.

۲۵. فجر، آیات ۲۷-۲۸.

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۰۹

تحلیل ارتباط معاد با سایر اصول دین

توحید → معاد: اگر خدا خالق جهان است، پس قدرت دارد که انسان را دوباره زنده کند.
نبوت → معاد: پیامبران بارها هشدار داده‌اند که زندگی پس از مرگ وجود دارد و انکار آن، تکذیب رسالت آنهاست.
چرایی این مدل: معاد فقط مفهوم انتزاعی نیست، بلکه در قرآن به‌عنوان بخشی از نظام الهیاتی اسلام مطرح شده است.

۵-۶. الگوی جدلی-تطبیقی (Dialectical & Adaptive Model)

مبنای تحلیل: در این مدل، قرآن در مواجهه با منکران معاد از روش‌های جدلی استفاده کرده و سپس به‌صورت تطبیقی، استدلال‌های خود را اصلاح کرده و بهبود بخشیده است.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) مرحله ابتدایی - جدال ساده

در سوره‌های نخستین (مدثر و تکویر)، پاسخ به منکران معاد، بیشتر جنبه تهدیدی و هشداردهنده دارد.

مثال: «فَإِذَا التُّجُومُ طُمِسَتْ... فَأَيْنَ تَذُهَبُونَ»^{۲۶}

ب) مرحله میانی - جدال منطقی

در سوره‌هایی مانند نحل، روم و حج، آیات بیشتری در پاسخ به شبهات مشرکان در مورد قیامت نازل شده است.

مثال: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»^{۲۷} که پاسخی جدلی به انکار مشرکان است.

ج) مرحله تطبیق و تلطیف

در سوره‌هایی مانند زمر و مریم، قرآن لحن ملایم‌تری برای ایجاد انگیزه در مؤمنان اتخاذ کرده است و بهشت و نعمت‌های آن را با جزییات بیشتری مطرح می‌کند.

۲۶. تکویر، آیات ۱-۲۶.

۲۷. یس، آیه ۷۸.

تحلیل چرایی این الگو

ابتدا برای منکران معاد، لحن چالش‌برانگیز و جدلی به کار رفته است تا مقاومتشان شکسته شود.

سپس با تطبیق روش‌ها و ارائه استدلال‌های عمیق‌تر، استدلال‌های قرآنی متناسب با سطح درک مخاطبان تغییر کرده است.

۵-۷. الگوی تدریج در شکستن باورهای غلط (Gradual Deconstruction Model)

مبنای تحلیل: بسیاری از مشرکان مکه به دلیل اعتقادات غلط، منکر معاد بودند. قرآن به صورت تدریجی، این باورهای نادرست را از بین برد.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) مرحله اول - انکار مطلق معاد توسط مشرکان

مشرکان اصلاً به حیات پس از مرگ اعتقاد نداشتند و به شدت آن را بعید و ناممکن می‌دانستند.

مثال: «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»^{۲۸}

ب) مرحله دوم - ایجاد شک و تردید در منکران

قرآن ابتدا شک و شبهه در باور مشرکان ایجاد می‌کند تا در انکار خود مردد شوند.

مثال: «وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ»^{۲۹}

ج) مرحله سوم - جایگزینی باور صحیح به معاد

بعد از شکستن انکار مطلق مشرکان، قرآن استدلال‌های اثباتی معاد را ارائه می‌دهد.

مثال: «وَهُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^{۳۰}

تحلیل چرایی این الگو

ذهن انسان در برابر تغییر ناگهانی مقاومت می‌کند. قرآن به تدریج و با تزلزل در باورهای غلط، زمینه‌ساز پذیرش حقیقت معاد شد.

۲۸. جاثیه، آیه ۲۴.

۲۹. رعد، آیه ۵.

۳۰. مؤمنون، آیه ۸۰.

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۱۱

۵-۸. الگوی مقایسه با اقوام گذشته (Historical Comparison Model)

مبنای تحلیل: قرآن بارها سرنوشت اقوامی که قیامت را تکذیب کردند و نابود شدند را به‌منزله عبرت تاریخی بیان کرده است.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) ذکر سرنوشت قوم نوح

مثال: «كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ»^{۳۱}

نتیجه: آنها منکر معاد بودند و عذاب شدند.

ب) ذکر سرنوشت عاد و ثمود

مثال: «وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ»^{۳۲}

ج) ذکر سرنوشت فرعون

مثال: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى»^{۳۳}

تحلیل چرایی این الگو

مخاطبان قرآن از طریق داستان‌های واقعی و عبرت‌های تاریخی به امکان وقوع معاد و عذاب الهی متقاعد می‌شدند.

۵-۹. الگوی تصعید وحشت و امید (Escalating Fear & Hope Model)

مبنای تحلیل: قرآن در فرآیند نهادینه‌سازی معاد از تکنیک ایجاد وحشت در مراحل ابتدایی و سپس ارائه امید در مراحل بعدی استفاده کرده است.

مراحل و شواهد قرآنی

الف) مرحله نخست - ایجاد ترس از قیامت و جهنم

در سوره‌های نخستین مانند مدثر، قیامت و معارج، قرآن ابتدا شدیدترین تهدیدها را بیان می‌کند.

مثال: «كَأَلَّا إِنَّهَا لَأَطْيَىٰ نَزَّاعَةً لِّلْسَوَىٰ»^{۳۴}

۳۱. شعراء، آیه ۱۰۵.

۳۲. حاقه، آیه ۶.

۳۳. نازعات، آیه ۲۵.

۳۴. معارج، آیات ۱۵-۱۶.

ب) مرحله دوم - بیان عذاب و رحمت در کنار هم

در سوره‌هایی مانند نحل، روم و صافات، هم جهنم و هم بهشت توصیف شده است.

مثال: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ»^{۳۵}

ج) مرحله سوم - غلبه امید بر ترس

در سوره‌هایی مانند زمر، فجر و مؤمنون، بیشتر بر بهشت و رحمت الهی تأکید می‌شود.

مثال: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً»^{۳۶}

تحلیل چرایی این الگو

✓ ابتدا باید ترس در دل مردم ایجاد شود تا بیدار شوند.

✓ سپس باید ترس و امید متعادل شوند.

✓ در نهایت، رحمت الهی به‌مثابه انگیزه نهایی برای پذیرش معاد تقویت می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر رویکرد تنزیلی و چینش تدریجی آیات در سوره‌های مکی، توانسته است الگویی چندلایه، ساختاریافته و ناظر به واقعیت تاریخی دعوت پیامبر اکرم(ص) در رابطه با معاد ارائه کند. نتایج نشان می‌دهد که قرآن کریم در مواجهه با جامعه‌ای ناآشنا با تفکر معادمحور از رهیافتی تدریجی، هدفمند و کاملاً متناسب با شرایط فکری و روانی مخاطب بهره گرفته است. این روند با تأکید بر شوک روانی آغاز شده با اقامه براهین عقلی ادامه یافته و در نهایت با تثبیت هویت ایمانی در قالب معاد، نهادینه شده است.

این تحلیل، الگوی نهادینه‌سازی معاد را در چهار سطح «تطوری»، «روان‌شناختی»، «جامعه‌شناختی» و «سبک‌شناختی» طبقه‌بندی می‌کند و نشان می‌دهد که موفقیت پیامبر(ص) در تثبیت باور معاد، ناشی از به کارگیری دقیق و منسجم همین الگوها بوده است. اهمیت این رویکرد در آن است که نه تنها تصویری روشن از حکمت تدریجی نزول قرآن ارائه می‌دهد، بلکه به‌مثابه الگویی قابل اجرا برای نهادسازی در جوامع معاصر نیز مطرح می‌شود.

۳۵. انفطار، آیات ۱۳-۱۴.

۳۶. فجر، آیات ۲۷-۲۸.

الگوی تنزیلی نهادینه‌سازی آیات معاد در سور مکی / حسینی و قمرزاده ۲۱۳

این مطالعه نشان می‌دهد که فهم دقیق‌تر از منطق ترتیب نزول، می‌تواند به بازسازی عالمانه‌تر مدل‌های هدایت دینی، تربیت اعتقادی و تولید دانش اسلامی منجر شود.

نشان داد که فرایند نهادینه‌سازی آموزه معاد در سوره‌های مکی قرآن کریم بر پایه الگویی تدریجی، هدفمند و منطبق با نیازهای واقعی جامعه نخستین اسلامی استوار بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که قرآن کریم با توجه به بستر تاریخی و روانی مخاطبان، آموزه معاد را نه به صورت دفعی و یک‌باره، بلکه طی مراحل نظام‌مند و در قالب یک سیر تربیتی و معرفتی از سطح هشدار و انگیزش، آغاز و تا سطح تبیین استدلالی و تثبیت عملی ارتقا داده است. این الگو با تکیه بر ترتیب نزول و تحلیل سیاقی آیات، نشان می‌دهد که وحی الهی چگونه با لحاظ ظرفیت‌های ذهنی و اجتماعی مخاطبان به تدریج زمینه‌های پذیرش و درونی‌سازی باور معاد را فراهم آورده و از این رهگذر، تحولی عمیق در ساختار فکری و رفتاری جامعه جاهلی ایجاد کرده است. نوآوری پژوهش حاضر در عبور از شیوه‌های سنتی موضوع‌یابی و تمرکز بر جریان نزول و بافت اجتماعی آیات نهفته است؛ به گونه‌ای که الگویی سیال، ترکیبی و ناظر به واقعیت‌های تاریخی ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای مطالعات میان‌رشته‌ای و تولید دانش کاربردی در حوزه معارف اعتقادی قرار گیرد. نتایج این پژوهش، ضمن ارتقای فهم نظری از نحوه تبلیغ و تثبیت آموزه معاد در قرآن، ظرفیت‌های تازه‌ای برای بازاندیشی در شیوه‌های آموزش دینی، تبلیغ معارف اعتقادی و کاربردی‌سازی آموزه‌های قرآنی در جامعه معاصر فراهم می‌کند. توجه به الگوی تنزیلی و تحلیل سیر تکوینی معارف معاد، می‌تواند راهگشای پژوهشگران و مصلحان اجتماعی در فرایند بازتولید و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در بسترهای نوین باشد.

سیاهه منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

الف منابع فارسی:

کوهن، بروس ج. درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثالثی. تهران: نشر توتیا، ۱۳۸۸.
بهجت‌پور، عبدالکریم. تفسیر تزیلی: مبانی، اصول، قواعد و فوائد. تهران: انتشارات تمهید، ۱۳۹۲.
حاجی میرزایی، فرزاد. «مکی و مدنی» در: دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. به کوشش: بهاء‌الدین
خرمشاهی. تهران: دوستان‌ناهدید. ۱۳۷۷ش.

خاتمی، سید احمد. فرهنگ علم کلام: شرح لغات و اصطلاحات و اعلام علم کلام. تهران: نشر صبا،
۱۳۷۰ش.

دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

زنجانی‌زاده، هما. کنش اجتماعی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.
سورین، ورنر و جیمز تانکارد. نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه
تهران، ۱۳۸۶.

فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق. گوهر مراد. چاپ اول. تهران: نشر سایه، ۱۳۸۳ش.
قمرزاده، محسن، و نسیم تیموری. «ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تزیلی»، مطالعات علوم
قرآن ۴، شماره ۲ (تابستان ۱۴۰۱): ۴۹-۷۶.

گلابی، سیاوش. اصول و مبانی جامعه‌شناسی. تهران: نشر میترا، ۱۳۷۶.

مجلسی، محمدباقر. حق‌الیقین. تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۶ش.

ب- منابع عربی:

ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن‌مکرم. لسان العرب. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و
فرهنگی، ۱۳۸۲.

نفتازانی، سعدالدین. شرح المقاصد. تحقیق عبدالرحمن عمیره. چاپ اول. قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.

جوهری، ابو الحسن علی‌بن‌محمد. صحاح اللغة. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

زمخشری، محمود بن عمر بن محمد. تفسیر کشاف. جلد ۳. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۱.

طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.